

حلقه گلی برای ستاره

استقبال از یک هم محله ای پرافتخار

قهرمانی غرورآفرین تیم جانبازان کشورمان
را در مسابقات جهانی والیبال نشسته
صمیمانه تبریک می گوئیم

از طرف
دوستان و بچه محل ها

محافظان نارنجی پوش

۱

بهترین هدیه ی تولد

۷

۱۸۲

کوله یاشته

۱۴۰۲

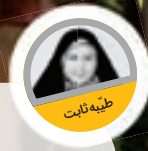
۱۱

۲۵

ضمیمه روزنامه شهرآرا
ویژه کودکان مشهد
۴شنبه



نفس العناب
یا بابا!



جشن تولد ستاره‌ها مبارک!

با نام و یاد خدای عزیز و مهربان، سلامی می‌کنیم به همه شما دوستان بهتر از جان.

امیدواریم که تنتان سالم و لبنتان خندان باشد و به همراه خانواده و دوستان در جشن‌های باشکوه و پرنشاط این ماه شرکت کنید. این روزها هر طرف را که نگاه می‌کنی پراز شور و شادی است. زمین و آسمان شهر از این همه گل و چراغانی و شادمانی می‌درخشد. همه به هم تبریک می‌گویند و شیرینی و شربت پخش می‌کنند.

چه هفته زیبایی. تولد امام حسین (ع)، میلاد حضرت ابولفضل (ع) و امام زین العابدین (ع). بهتر از این نمی‌شود. سالروز تولد سه ستاره پرنور خاندان پیامبر (ص) بر همه شما مبارک باشد!

بچه‌های عزیز همان طور که ستاره‌های آسمان با نورشان همه جا را از تاریکی درمی‌آورند و با استفاده از نور ستاره‌ها همه راه و مسیرشان را پیدا می‌کنند، امامان عزیز ما هم مثل ستاره‌ها با سخنان و گفته‌های ارزشمندشان ما را در مسیر زندگی به سوی خوشبختی و یک زندگی نورانی و خوب، راهنمایی می‌کنند. ما به عنوان یک مسلمان همیشه از کار و رفتار خوب امامان خود پیروی می‌کنیم و از آنان سرمشق و الگویی گیریم.

فهرست

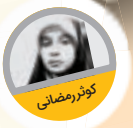
- محافظان نارنجی پوش ۱۱
- دعا برای بابا ۲
- سید گل ۳
- حلقه گلی برای ستاره ۴
- آقای راننده ۶
- یک رفیق مهربان ۷
- تنها در خانه ۸
- جبران هر اشتباهی ۱۰
- یک موفقیت بزرگ است ۱۰
- بگرد و پیدا کن ۱۲
- دوستی با آب و خاک و آسمان ۱۳
- بهترین هدیه‌ی تولد ۱۴
- سالاد سیب‌زمینی ۱۶
- رنگ‌های وارونه ۱۷

صاحب امتیاز:
شهر داری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سر دبیر:
سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمنی:
ارژنگ حاتم
دبیر کوله پشتی:
طیبه سادات ثابت
گرافیک و صفحه آرایی:
ملک جمعی

پست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
ایتای روزنامه: ۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
نشانی: خیابان کوhestگی
ابتدای کوhestگی ۱۵
دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱
توزیع و امور مشترکین:
۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۰۵۱
داخلی ۵۱۹ و ۵۲۰



محافظان نارنجی پوش



از فایده‌های این سبزی غده‌ای شکل که از خانواده صیفی جات است، تقویت، درخشانی و رشد موهای شماست.

کدو با افزایش گلبول‌های سفید خون، سیستم ایمنی بدن شما را قوی می‌کند و برای رشد کودکان ضروری است. ویتامین B موجود در کدو باعث می‌شود که شما به بیماری‌های عفونی دچار نشوید. **خرمالو:** میوه‌ای نارنجی رنگ، خوشمزه و مفید که میوه‌ای زمستانی به شمار می‌آید.

خرمالو دارای ویتامین‌های A-B-k, C است و یک میوه ضد التهاب است.

اگر می‌خواهید پوستی شفاف و خوب داشته باشید، خوردن این میوه را فراموش نکنید. خرمالو به عنوان یک آب‌رسان قوی پوست و چشم شما را در برابر هوای آلوده حفظ می‌کند.

هر میوه و خوراکی سالم و مفیدی که خدای مهربان برای استفاده ما انسان‌ها آفریده است، مایه سلامتی و تندرستی جسم و جان ماست.

امروز در زنگ سلامتی می‌خواهیم شما را با فواید و خوشمزه نارنجی رنگ آشنا کنیم.

کدو و تنبل: کدو و تنبل آن قدر خوب و پرفایده است که علاوه بر خوردنش نامش در داستان‌های ما یاد شده است. قصه کدو قلقلی زن که ننه پیره زن را از دست گرگ و شیر و پلنگ نجات داد یادتان هست! بله، همان که نارنجی رنگ است و پوستی شبیه پالتوی چرمی دارد و توی دلش تخمه‌های خوشمزه و پرخاصیتی است که همان تخم کدو است و در آجیل‌ها وجود دارد.

بله، بچه‌های عزیز، کدو و تنبل همیشه با پاییز به بازار می‌آید و تا زمستان مهمان ماست.

دعا برای بابا

وقتی که شب‌های می‌رود او
آرام و با خنده سرکار
آهسته می‌گویم خدا جان
او را خودت سالم نگه دار

ای کاش اصلاً هیچ جایی
روی زمین آتش نگیرد
ای کاش هیچ آتش نشانی
در شعله‌ی آتش نمیرد

گرما و دود و شعله‌ی داغ
آتش نشانی شغل سختی ست
اما نمی‌دانم چرا ترس
توی دل بابای من نیست

بابای من آتش نشان است
او بهترین بابای دنیا است
هر جای شهر آتش بگیرد
بابای خیلی خوبم آنجا است





سبد گل



وقتی پدر یا مادر عزیزتان میوه می خرند، گاهی میوه ها در فوم های مشبک یا توری قرار دارد. هیچ می دانید با همین فوم ها می توانید یک گلدان گل زیبا درست کنید؟! پس دست به کار شوید. ابتدا قسمت پایین بطری آب را برش بزنید. آن را میان فوم قرار دهید. پایین فوم را با قیچی به شکل هفت و هشت برش دهید و به زیر ظرف بچسبانید. از بطری آب به اندازه یک سانتی متر حلقه ای را برش دهید. روی آن را فوم بچسبانید. حالا دسته را به دو طرف بچسبانید. فوم رنگ دیگری را چندلا پیچید. دور آن را با نخ محکم گره بزنید. اضافه را قیچی کنید. گل ها را به لبه ی گلدان بچسبانید. حالا چند شاخه گل را در گلدان قرار دهید. گلدان گل را به خانواده یا دوست خود هدیه بدهید.

چی لازم داریم؟

فوم مشبک یا توری

چسب حرارتی

قیچی

بطری بازیافتی



حلقه گلی برای ستاره

استقبال از یک هم‌محله‌ای پرافتخار



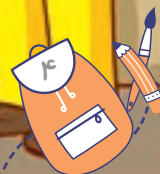
مسابقه دارد. بابای من کاپیتان تیم است.» آقای معلم لبخندی زد و با مهربانی به امید نگاه کرد. سینا از آن طرف کلاس گفت: «مگر باباتون جانباز نشده بود؟ چه جوری می‌تواند والیبال بازی کند؟!» امید لبخندی زد و گفت: «معلوم است دیگر، بابای من هم در تیم والیبال نشسته بازی می‌کند.» احسان پرسید: «مسابقه ساعت چند شروع می‌شود؟» علی پرسید: «فکر می‌کنی تیم ما برنده شود؟» امید نگاهی به ساعتش انداخت و گفت: «نیم ساعت دیگر شروع می‌شود. معلوم است؛ تیم ایران برنده می‌شود. چون پرچم ایران همیشه بالاست و بابای من کاپیتان تیم است.» همین موقع صدای زنگ توی مدرسه پیچید و همه با عجله وسایلشان را جمع کردند و به طرف خانه‌ها به راه افتادند. امید زودتر از همه دوید و رفت. به خانه که رسید، با یک کاسه تخمه‌ی آفتاب‌گردان همراه ماما نشست جلوی تلویزیون و مسابقه را تماشا کرد. عجب مسابقه‌ای بود! با هر تویی که روی زمین حریف می‌نشست، خنده و شادی امید خانه را پر می‌کرد. خبر برنده شدن تیم والیبال ایران خیلی زود همه جا پیچید. در مدرسه هم خبر مثل بمب صدا کرد. همین باعث شد مدیر مدرسه یک گروه استقبال آماده کند تا روزی که بابای امید برمی‌گردد، به فرودگاه بروند.

روز استقبال که رسید، بچه‌های مدرسه با شیرینی و حلقه‌ی گل و کُلی پرچم ایران رفتند فرودگاه. سردر کوچی آن‌ها چراغانی بود. ورودی سردر خانه هم یک پرده‌نوشته با این مضمون خودنمایی می‌کرد: «قهرمانی غرورآفرین تیم جانبازان کشورمان را در مسابقات جهانی والیبال نشسته صمیمانه

قهرمان‌ها همیشه باعث افتخارند. قهرمان‌ها همیشه دوست داشتنی‌اند. بابای امید هم یک قهرمان بود.

امید زودتر از بقیه‌ی بچه‌ها تکلیف کلاسی‌اش را نوشت. بعد هم وسایلش را جمع کرد و توی کیفش گذاشت. دل توی دلش نبود که زودتر زنگ بخورد و بدود برود خانه. از بس عجله داشت، هی سر جایش روی نیمکت وول می‌خورد. آقای معلم که متوجه رفتار امید شده بود، گفت: «چقدر هولی امید؟! امید سر تکان داد و گفت: «نه، آقا» آقامعلم با تعجب به او نگاهی انداخت و گفت: «پس این همه وول خوردن برای چیست؟» امید لبخندی زد و گفت: «به خاطر ژاپن است.» یکی از بچه‌ها سرش را از روی تکالیفش بلند کرد و با هیجان داد زد: «قرار است بروی ژاپن؟!» یکی دیگر از بچه‌ها گفت:

«سامورایی‌ها را هم می‌بینی؟» آقا معلم با خط‌کش روی میز کوبید و بچه‌ها را ساکت کرد. بعد هم سرفه‌ای کرد و پرسید: «ژاپن چه خبر است که ما خبر نداریم؟» امید با هیجان گفت: «مسابقه است آقا. مسابقه‌ی والیبال. تیم ایران امروز





تبریک می‌گوییم.» بابا که از راه رسید،
بچه‌ها با سروصدا دورش جمع شدند. یکی
سوت می‌زد، یکی به گردن او حلقه‌ی گل
می‌انداخت و یکی با صدای بلند اسمش را
تکرار می‌کرد. همه شاد بودند.
اما امید از همه شادتر بود. چون
بابایش برگشته بود. بابای قهرمانش
برگشته بود.

قهرمانی غرورآفرین تیم جانبازان کشورمان را در مسابقات جهانی والیبال نشسته صمیمانه تبریک می‌گوییم

از طرف
دوستان و بچه‌محل‌ها





آقای راننده

خیلی از بچه ها هستند که رانندگی را دوست دارند و دلشان می خواهد زودتر بزرگ شوند و رانندگی یاد بگیرند. شما چطور؟

تا حالا شده است که بخواهید راننده شوید و چند ساعت مسافرکشی کنید؟

در بازی این هفته ما یعنی «تاکسی سه»، شما همین نقش را به عهده دارید.

شما به عنوان یک راننده تاکسی تازه وارد می توانید در خیابان های شهر دور بزنید و از درآمدی که به دست می آورید، برای خرید ماشین های جدید و ارتقای ماشین خودتان استفاده کنید.

دوستان عزیز! بهتر است هر روز مواظب باشید و از نگهداری خودروتان غافل نشوید! همواره باید سرویس های دوره ای خودروتان مانند روغن کاری، تعمیر شمع ها و پرکردن باک بنزین را انجام دهید. عین حال، باید در رانندگی نیز حواستان جمع باشد. زیرا اگر تصادف کنید، هم باید خسارت بپردازید و هم ماشینتان آسیب می بیند.



اسکن کنید

همین حالا
کد روبه رو را اسکن
و رانندگی را آغاز کنید.





یک رفیق مهربان

اگر از آن دسته بچه‌هایی هستید که انیمیشن‌های تاریخی را دوست دارید و دلتان می‌خواهد درباره‌ی شخصیت و رفتار و اتفاق‌های مهم زندگی آخرین پیامبر خدا بیشتر بدانید، پیشنهاد می‌کنیم انیمیشن سه‌بعدی «آخرین فرستاده» را حتماً ببینید.

این انیمیشن بلند و چند قسمتی، داستان زندگی پیامبر اسلام (ص) از تولد تا رحلت است که از زبان سلمان فارسی برای پسر بچه‌ای از اهالی شهر مداین روایت می‌شود. مبعث حضرت رسول (ص)، هجرت، جنگ‌های مهم دوران پیامبر مثل جنگ خندق و دشمنان ایشان از دیگر بخش‌های انیمیشن «آخرین فرستاده» است.



نام انیمیشن:

محمد،

آخرین فرستاده

سال ساخت:

۱۳۹۴

کشور سازنده:

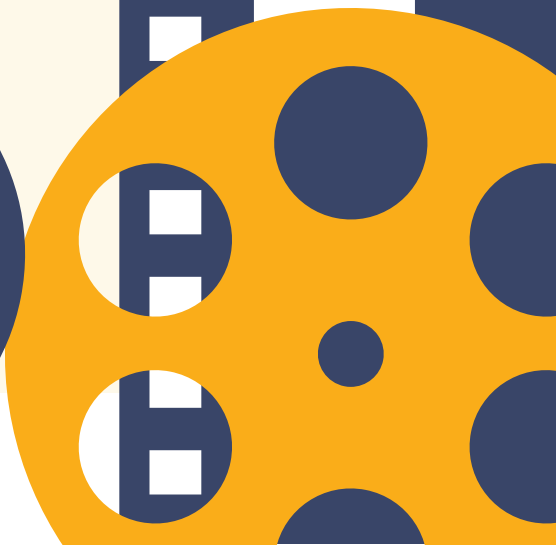
ایران

ژانر:

تاریخی مذهبی

کارگردان:

داریوش دالوند



تنها در خانه

شرح بازی: برای این بازی به یک تاس و به تعداد بازیکنان مهره نیاز داریم. بازی باتاس شش شروع می شود. برنده کسی است که زودتر مسیر را طی کند و به نقطه ی پایانی برسد. هدف این بازی آموزش نکات ایمنی به کودکان است تا کودکان با آموختن این نکات بتوانند از خود و دیگران مواظبت کنند و خطرات احتمالی در محیط خانه را کاهش دهند.



آفرین که آهسته از پله ها پایین می روی.
۲ خانه برو جلو.

از آشپزخانه پوی گاز می آید. آفرین که پنجره را باز کردی، دسته ی گاز را بستی. دست به کلید برق و کبریت نزدی. ۲ بار تاس بریزی.

ای وای! چرا این قدر به بخاری چسبیدی؟ ممکن است دست و پا بت دست ۲ خانه عقب برو.

کاربدي کردی که چاقورا برداشتی. چاقو برای بازی نیست. ۵ خانه به عقب برگرد.

قرار است امروز چند ساعت با خواهر و برادر کوچکت در خانه تنها بمانید. حواستان باشد نکات ایمنی را رعایت کنید. تاس بریزید و شروع کنید.

کاربدي کردی که روی کمد رفتی. بازی خطرناک ممنوع! ۳ خانه به عقب برگرد.

شروع





کار خوبی نکردی!
پریز و کلید برق که
اسباب بازی نیست. با آن‌ها
بازی نکن. چون کار بدی
کردی. ۳ خانه به عقب
برگرد.

آفرین که مواظب
خودتان بودید. الان
است که بزرگ‌ترها
برگردند.

پایان

ای وای!
توی بازی
قایم باشک چه
کار خطرناکی
کردی! از کابینت
بیای بیرون.
یک بار
تاس نریز.

آفرین! کار
خوبی می‌کنی
که در را روی
غریبه‌ها باز
نمی‌کنی. ۲ خانه
جلوتر برو.

باتاس فرد
حرکت کن.

دست زدن به کبریت و
روشن کردن اجاق گاز کار
بچه‌ها نیست. منتظر بمان
تا بزرگ‌ترها بیایند. یک بار
تاس نریز.

چه کار
بدی کردی!
اذیت کردن
کوچک‌ترها
ممنوع ۲۱ خانه
به عقب برگرد.



خوب است که شماره‌های اضطراری را بلدی.
۱۲۵ آتش نشانی، ۱۱۵ اورژانس. اگر مشکلی پیش
آمد، فوری زنگ بزن. ۲ خانه جلو برو.

گفتگو با یک دانش آموز نمونه:



جبران هر اشتباهی یک موفقیت بزرگ است

چگونه

به فعالیت های قرآنی

علاقه مند شدی؟

این رشته ها را به دلیل احساس آرامش و معنویتی که به همراه خود می آورند، دوست دارم. از سوی دیگر، امکان ادامه ی آن ها برایم فراهم بود.

موفقیت را برایمان تعریف کن.

وقتی کسی را شاد می کنم، احساس خیلی خوبی دارم، انا زمانی که کار اشتباهی انجام می دهم، ناراحت می شوم و پس از اینکه اشتباهم را جبران کردم، احساس خوشایندی پیدا می کنم. به نظرم این مهم ترین موفقیت است. از چند روز پیش از هر مناسبت برای اجرایی که قرار است انجام دهم، تمرین را شروع می کنم و در کنار آن به تکالیف و امتحاناتم هم توجه زیادی دارم و با برنامه ریزی مناسب خوب درس می خوانم. اعتقاد دارم برای موفقیت در زندگی باید هدف خود را با تلاش و توکل بر خدا دنبال کنیم و کاری را نیمه رها نکنیم.



اولین باری که در مدرسه نمره ی ۲۰ گرفتید، یا دتان هست؟ این نمره از کدام درس و نتیجه ی استعداد یا تلاش شما بود؟ از مدرسه تا خانه



شبنم کریمی

چقدر ذوق داشتید که برگه ی امتحان را به مادر تان نشان بدهید؟ بچه های خوب! علاقه و هوش و استعداد مهم است، اما مطمئن باشید برای رسیدن به قله های پیروزی، تلاش و کوشش حرف اول را می زند. محمد مهدی یعقوب پور دانش آموز پرتلاش و موفق کلاس ششم دبستان شاهد شهید رستمی است. اوازشش سالگی و در مهد الرضا (ع) بارشته ی قرائت،

فعالیت های قرآنی خود را آغاز کرده است و اکنون هم زمان در زمینه ی مذاحی، دکلمه خوانی و مکتبری فعالیت می کند و موفق به کسب عنوان برتر این رشته ها شده است. گفت وگویی ما با محمد مهدی را در ادامه می خوانید.





شورا و در برخی برنامه‌های مدرسه مانند برگزاری مسابقات ورزشی آموزشی و فروش اقلام فرهنگی و مذهبی در مدرسه فعالیت می‌کنم. در طرح جابرین حیّان که یکی از دانشمندان و فیلسوفان ایرانی است و او را پدر علم شیمی نامیده‌اند نیز با کمک ایده‌ای که از پدرم دریافت کردم، تأثیر کلام را بر محیط با کمک مادر و خانواده‌ام آزمایش کردم. برای این منظور، میوه‌های مختلف را در دو ظرف قرار دادم. روی یکی از ظروف نام‌های معنوی و خوب را نوشتم و روی دیگری کلمات ناامیدکننده را قرار دادم. نتیجه‌ی آن را بر میوه‌ها می‌شد دید. به نظر من این طرح می‌تواند درباره‌ی استفاده از کلمات صحیح و کلمات نادرست به دیگران آگاهی دهد و برای ما آینده‌ی بهتری بسازد.

محمد مهدی جان! از موفقیت هایت برایمان می‌گویی؟

به نظرم بزرگ‌ترین موفقیت‌م تا این سن، خدمت به زائران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) است و این افتخار را دارم تا با عنوان مکتب‌ری آستان قدس رضوی، به زائران حضرت رضا (ع) خدمت کنم. در برخی مناسبت‌ها قرائت قرآن و کلمه خوانی در مسجد محلّه را هم انجام می‌دهم. در کنار آن از کلاس اوّل ابتدایی تا کنون توانسته‌ام در مسابقات مختلف رشته‌های قرائت و حفظ جزء سی‌ام و همچنین سرود در سطح آموزشگاه، ناحیه و شهرستان مقام اوّل و ممتاز را کسب کنم. حسّ خوب پیروزی برایم بسیار شیرین و دل‌چسب بوده است. به علت اینکه در مسابقات ناحیه‌ای نمی‌توان در دو رشته شرکت کرد، فقط در پایه‌ی دوّم برای مسابقات خوش‌نویسی شرکت کردم و از مدرسه به ناحیه صعود کردم. علاقه‌ی زیادی هم به این هنر ارزشمند دارم. بیشتر نستعلیق و به تازگی خط نسخ هم تمرین می‌کنم. از ابتدای حضورم در دبستان، در انتخابات شورای دانش‌آموزی به عنوان عضو فعال

فکر می‌کنی چگونه می‌توانیم دانشمند شویم؟

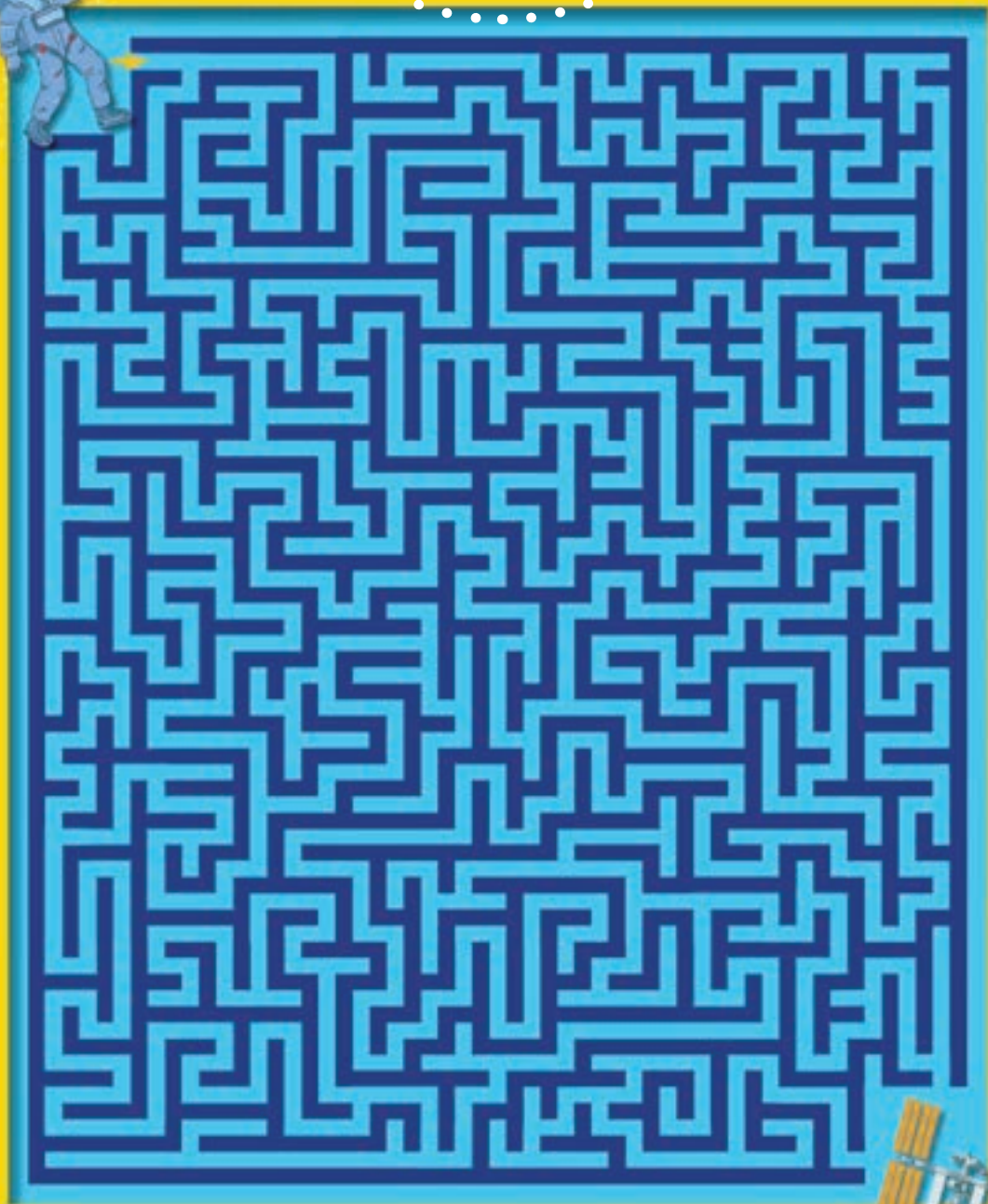
از نظر من برای دانشمند شدن باید با برنامه‌ریزی درست از همه‌ی زمان خود استفاده مناسب کنیم و درس‌هایمان را خوب و عمیق بخوانیم.

دلیل موفقیت خود را چه چیزهایی می‌دانی؟

به نظرم مهم‌ترین عامل موفقیت من در کسارم علاقه‌ای بوده است که زمینه‌ی تلاش برای رسیدن به خواسته‌ام را هم ایجاد کرده است، اما استعداد و زمینه‌ی رشد و حمایت خانواده هم تأثیر بسیاری در موفقیت‌م در این رشته‌ها داشته است و از این بابت قدردان آن‌ها هستم.

بگرد و پیدا کن

بچه های عزیز
با کمی دقت به فضا نورد کمک کنید
تا به سفینه اش برسد.





دوستی با آب و خاک و آسمان



این مجموعه چهارجلدی، سروده‌ی زهرا موسوی است که موضوع آن درد دل‌های زمین و دریا و آسمان و حیوانات برای کودکان است. این شاعر خوب کشورمان موضوعات محیط زیستی مهمی چون آلودگی هوا، دریا، زمین و شکار حیوانات و نتیجه‌ی این کارهای خطرناک را در قالب ترانه - به طوری که برای کودکان قابل فهم و سرگرم‌کننده باشد - سروده است.

با خواندن این مجموعه‌ی چهارجلدی، کودکان وظایف خود و دیگران در برابر محیط زیست را می‌آموزند و با آسیب‌های دودهای زیادی که تولید می‌شود و به آسمان می‌رود، آلودگی دریا و سواحل با نفت و زباله، مرگ ماهی‌ها و خشک شدن دریاچه‌ها، شکار، اذیت و آزار و آسیبی که شکارچیان به طبیعت وارد می‌کنند، آشنا می‌شود.



نام نویسنده: زهرا موسوی
مناسب گروه سنی ۷ تا ۱۱ سال
سال انتشار: ۱۴۰۲
انتشارات: به نشر/ پروانه

بهترین هدیه‌ی تولد



مرجان اسماعیلی

این روزها سه تولد مهم داریم؛ تولد امام حسین (ع)، امام زین العابدین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع). ما همیشه می‌خواهیم در روز تولد به کسانی که دوستشان داریم، هدیه بدهیم. در این روزهای تولد هم خوب است که بایادگرفتن و عمل کردن به حرف‌های امامانمان، آن‌ها را خوش حال کنیم. پس بیایید با هم چند حدیث یاد بگیریم.



از سفارشات امام حسین (ع) به ماست که با وجود قدرت، بخشش داشته باشیم زیرا این خیلی خوب است.

وقتی کسی با ما رفتار خوبی نداشته باشد، ناراحت می‌شویم و دیگر دوست نداریم با او حرف بزنیم. حق با ماست که از کارهای اشتباه دیگران ناراحت شویم، اما ممکن است آن شخص از کارش پشیمان شده باشد. پس بهتر است گذشت کنیم؛ یعنی او را ببخشیم.



از سخنان امام حسین (ع) است که حرف و عملمان یکی باشد.

شهرما خانه ماست. باید شهرمان را تمیز نگه داریم



۱ شنیدم
مریض بودین.
یک کاسه آش
براتون آوردم.

۲ خیلی
ممنونم که به
یاد ما بودین.



از سفارشات امام حسین (ع) این است که همسایه مثل فامیل ماست. باید به او محبت کنیم

بی خیال
تو هم برو پی کارت



از سفارشات امام سجاد (ع)
این است که حتی دروغ کوچک
هم نگوییم. چون این کار
زشت بر ایمان ساده و
راحت می شود

۱
من توی
امتحان ریاضی ۱۹
شدم!



۲
ولی من
نمره هارودیدم.
۱۵ شده بودی!

۳
الکی گفتم.
می خواستم ببینم
می فهمی!

امام سجاد (ع) به ما سفارش کرده اند به همدیگر نگاه
محبت آمیز داشته باشیم.

۱
بذار کمک
کنم دوچرخه ت رو
ببری خونه.

۲
خونه مون خیلی
دوره. نمی خواد این همه
راه بپای.

۳
ناسلامتی
ما با هم
دوستیم.
باید به هم
کمک
کنیم.



از سفارش های امام سجاد (ع) این است که
در سلام کردن و کمک کردن به هم پیش قدم
باشیم

۲
این آرمان خیلی
پسر خوبی. همیشه حال
بچه ها رو می پرسه و اگه کسی
کمک بخواد، کمک می کنه.

۳
پس
برای همین که
کلی دوست و رفیق
داره!

۱
سلام
بچه ها! چه خبرا؟
همه چی روبه راهه؟

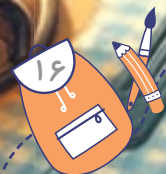


سالاد سیب زمینی



قابلمه حوصله‌اش سر رفته بود. خمیازه‌ای کشید و به کاسه‌ی آبی که کنارش بود، گفت: «کاش امروز غذا درست کنن. حوصله‌م سر رفته.» کاسه خودش را این طرف و آن طرف کشاند و گفت: «مگه نمی‌دونی مسافرت بودن؟!» آن‌ها داشتند حرف می‌زدند که مادر خانه وارد شد. کاسه و قابلمه به هم نگاه کردند. مادر دوتا سیب زمینی توی دستش بود. آن‌ها را شست. بعد قابلمه را برداشت و سیب زمینی‌ها را ریخت توی قابلمه و مقداری آب روی آن‌ها ریخت. بعد زیر قابلمه را روشن کرد. سیب زمینی‌ها شروع به غل‌غل کردند. قابلمه خیلی خوش حال بود که بعد از چند روز دوباره داشت کار می‌کرد. بعد از نیم ساعت مادر برگشت و سیب زمینی‌ها را از توی قابلمه برداشت. بعد آن‌ها را پوست گرفت و با چاقو آن‌ها را مکعبی ریز کرد. وقتی سیب زمینی‌ها آماده شدند، نوبت کاسه‌ی آبی بود. مادر آن را برداشت و سیب زمینی‌ها را داخلش ریخت. بعد کمی شوید خشک اضافه کرد. کمی نمک و فلفل و سس مایونز هم ریخت. یک چیز دیگر هم لازم بود؛ یک پیمانه ذرت پخته. وقتی همه مواد مخلوط شدند، آن‌ها را با چنگال حسابی هم زد. حالا سالاد سیب زمینی آماده بود. کاسه خوش حال بود که بعد از چند روز از بیکاری درآمده و یک غذای خوش مزه درست شده است.

سالاد سیب زمینی خواص زیادی دارد؛
برای قلب و استخوان‌ها و پوست هم
فایده‌های زیادی دارد.





رنگ‌های وارونه

دانش پژوهان کوچک! آیا می‌توانید بدون جابه‌جا کردن کاغذ، رنگ‌ها را جابه‌جا کنید؟ اگر می‌خواهید با انجام یک آزمایش ساده، این پدیده‌ی جالب را مشاهده کنید، با ما همراه شوید:

کاغذهای رنگی را مطابق شکل در کنار هم بچسبانید. لیوان را در مقابل آن قرار دهید و تانیمه از آب پر کنید. با کمی جابه‌جا کردن لیوان می‌توانید این اتفاق جالب را مشاهده کنید. چطور اتفاق افتاد؟

مسیر نور هنگام ورود از محیطی شفاف مثل هوا به محیط شفاف دیگری مثل آب تغییر می‌کند یا در اصطلاح می‌شکند. به این پدیده شکست نور می‌گویند. همین پدیده در آزمایش بالا اتفاق افتاد.

وقتی در لیوان آب نیست، نور مسیر مستقیم خود را تا چشم ما طی می‌کند. ریختن آب در لیوان باعث شکست مسیر نور می‌شود و ما این پدیده‌ی جالب را می‌بینیم.



چی لازم داریم؟

دو کاغذ یا مقوای رنگی

(می‌توانید یک کاغذ سفید را به

دو قسمت با رنگ‌های متفاوت

رنگ آمیزی کنید)

لیوان شیشه‌ای

آب

بیشتر بدانیم:

در چشم ما هم شکست نور رخ می‌دهد. نوری که از جسم به چشم ما می‌رسد هم در قرنیه و هم در عدسی چشم می‌شکند تا روی پرده شبکیه بیفتد و ما آن جسم را ببینیم.



جانبازی یعنی شهید زنده
و پرچم افتخار

